



وضعیت بازار در زمان حکومت امیرالمؤمنین(علیه السلام)

با نگاهی به تاریخ دوران جاهلیت در می یابیم که بازارهای مهمی در آن دوران وجود داشت ...

با نگاهی به تاریخ دوران جاهلیت در می یابیم که بازارهای مهمی در آن دوران وجود داشت که معروفترین آنها بازار عکاظ، مَجَنَه، ذوالمجاز و حباشه نام داشتند. این بازارها در صدر اسلام نیز پابرجا بودند. بازار عکاظ اولین بازاری است که در سال 129 هجری قمری به جهت غارتی که در آن بازار صورت پذیرفت رها شد(1) و آخرین بازار نیز بازار حباشه است که در سال 197 هجری قمری رها شد.(2)

برخی از این بازارها نظیر بازار عکاظ فقط محلی برای خرید و فروش کالا نبود. بلکه مکانی برای تجمع قبایل نیز محسوب می شد که در آن اخبار و اطلاعات رد و بدل می شد. شعرا اشعار و غزلهای خود را می خوانند. شاید بتوان گفت آنچه در یک روزنامه امروزی وجود دارد، به نحوی در بازار عکاظ نیز وجود داشت.(3)

بازارهای دوران جاهلیت عشاران و خفیرانی داشته اند که با گرفتن مبالغی از فروشندگان با نیرو و توان قابل توجه خود امنیت بازار را تأمین می نمودند. در مناطقی که حکومت مقتدری وجود داشت از حاکمان به عنوان عشار نام برده می شد. گرچه گاهی فروشندگان خود را تحت الحمایه قبیله ای قرار می دادند و آن قبیله فردی را به عنوان خفیر برای دریافت وجوه انتخاب می نمود. در عین حال همه بازارهای دوران جاهلیت عشاران و خفیرانی داشتند که نام آنان در کتب تاریخی آمده است. تنها بازار عکاظ عشار نداشت.(4)

در عصر ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) در مدینه، مهمترین بازار مدینه یعنی بازار بنی قینقاع در اختیار یهودیان قرار داشت. حضرت به جهت حساسیت ویژه ی بازار و نارضایتی از حاکمیت مطلق یهودیان بر بازار در صدد شکستن حاکمیت آنان و سلب انحصار از آنان برآمدند و در این راستا بازار دیگری را در مدینه تأسیس نمودند و مقررات خاصی نظیر عدم اخذ خراج از بازاریان، نداشتن جایی مشخص برای فروشندگان و ممنوعیت تجاوز به حریم بازار و... وضع نموده و امتیازهای قومی و طبقاتی گذشته را به کلی لغو و امنیت بازارها را به طور کامل تأمین کردند. این اقدامات به شکوفایی و رونق بازار منجر شد. به عنوان مثال نگرستن خراج و هر گونه مالیات، سبب کاهش قیمت ها و رواج و گستردگی خرید و فروش می شد و در عین حال که انتقال بازار به مکان دیگر، درآمد مالیاتی یهودیان را از بازار بنی قینقاع به شدت کاهش داده و یهودیان را که دشمنان عنود اسلام و مسلمین بودند، به خشم آورد. در زمان حکومت امیرالمؤمنین(علیه السلام) بازارها همانگونه که بودند استمرار یافتند، گرچه محل خلافت و حکومت از مدینه به کوفه منتقل شد ولی تغییری در محل بازارها گزارش نشد. و حضرت با توجه به نقش حساسی که بازار در رونق فعالیت های اقتصادی داشت در بهبود وضعیت آن و افزایش رونق و کارایی آن تلاش نمودند.

در عصر ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر گرامی اسلام در مدینه، مهمترین بازار مدینه یعنی بازار بنی قینقاع در اختیار یهودیان قرار داشت. حضرت به جهت حساسیت ویژه ی بازار و نارضایتی از حاکمیت مطلق یهودیان بر بازار در صدد شکستن حاکمیت آنان و سلب انحصار از آنان برآمدند و در این راستا بازار دیگری را در مدینه تأسیس نمودند و مقررات خاصی نظیر عدم اخذ خراج از بازاریان، نداشتن جایی مشخص برای فروشندگان و ممنوعیت تجاوز به حریم بازار و... وضع نمودند.

برای تبیین وضعیت بازار در زمان حکومت امیرالمؤمنین(علیه السلام) می توان به ویژگی های خاص آن اشاره نمود. که آن ویژگی ها عبارتند از:

1- بازارها غالباً در کنار مسجد و دارالاماره بنا می شدند که خود حاکی از ارتباط تنگاتنگ این مراکز نسبت به هم می باشد. مساجد جامع بصره، کوفه و سامرا در کنار بازار قرار داشتند.(5) از گفتگوی عقیل بن ابی طالب با امیرالمؤمنین(علیه السلام) نیز استفاده می شود که بازار کوفه در کنار دارالاماره قرار داشت. وقتی که عقیل می گوید من 100 هزار دینار مقروض هستم و از بیت المال به من چیزی بده تا دیونم را ادا کنم. حضرت جواب می دهد من و تو هرکدام فردی از مسلمانان هستیم و حق مساوی داریم و نمی توانیم افزون از دیگران از بیت المال اخذ کنیم. وقتی عقیل قانع نمی شود می فرماید: اگر به آنچه گفتم قانع نیستی، پایین برو و قفل یکی از صندوق ها را بشکن و آنچه در آن است را بردار.(6)

از این روایت استفاده می شود که دارالاماره در کنار بازار و مشرف بر آن بود. البته این که بازارها در کنار دارالاماره و مسجد بنا می شد اختصاص به زمان حضرت ندارد. بلکه به عنوان یکی از مظاهر تمدن اسلامی تلقی می شود و شهرهایی که توسط حاکمان اسلامی

ساخته می شد و کوفه نیز یکی از آنها است، از چنین وضعیتی برخوردار بودند. و مسجد جامع مرکز مذهبی و سیاسی و محلی برای آموزشهای فکری و عملی و مکانی برای بسیج نیروها جهت دفاع و جهاد محسوب می شد.

2- از روایات استفاده می شود که در زمان امیرالمؤمنین(علیه السلام) در کوفه بازارهایی بود که باطاق هایی داشت و برای خرید و فروش ساخته و آماده شده بودند. - از جریان عقیل نیز این امر استفاده می شود. - همچنین روایت عقیل بر این دلالت دارد که این اطاقها حفاظی نداشت و امنیت آن نیز توسط دولت تأمین می شد. گرچه در کنار این نوع بازار، بازارهای دیگر نیز وجود داشت که هر کس می توانست بساط خود را پهن کند و به خرید و فروش بپردازد. در این نوع بازار فروشندگان مکان خاصی نداشتند و هر کس که زودتر وارد بازار می شد می توانست مکانی را که بهتر تشخیص می داد، برای خود انتخاب کند. و تا پایان شب نیز کسی حق ممانعت از او را نداشت و هیچ کس نمی توانست جای او را تصاحب کند. همانطور که امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حدیثی می فرماید: بازار مسلمانان مثل مسجد آنان است، کسی که درمکانی از بازار پیشی گیرد او تا شب از دیگران به آن مکان سزاوارتر است.(7)

3- روایاتی از امیرالمؤمنین(علیه السلام) رسیده، استفاده می شود که در بازار کوفه غرفههایی وجود داشت که ملک دولت اسلامی بود و حضرت کراحت داشت در مقابل استفاده از این غرفهها کرایه ای بگیرد و کرایه ای نیز نمی گرفت.(8) (از این روایات استفاده می شود که فروشندگان تنها می توانستند برای مدتی بدون پرداخت اجاره از این مکانها استفاده کنند. و حتی مجاز نبودند دکانهایی را شخصاً در بازار احداث نمایند و در صورت انجام چنین کاری توسط حکومت با آنها برخورد می شد. اصبع بن نباته روایت می کند که امیرالمؤمنین(علیه السلام) روزی به بازار رفت با مغازههایی که در بازار ساخته شد مواجه گشت. دستور داد آنها را خراب و ویران نمایند.(9)

در زمان حکومت امیرالمؤمنین(علیه السلام) تحت هیچ عنوان اعم از کرایه، خراج و مالیات از خریدار و فروشنده مبلغی گرفته نمی شد. زیرا مصالحی که اقتضاً می کرد از مغازهها اجرت اخذ نشود همان مصالح نیز اقتضاً می کرد که مالیات نیز از آنان اخذ نشود. اگر خراج را به علت فتوحات گسترده سرزمینها، مهمترین مالیات صدر اسلام بدانیم می توانیم سفارشها و توصیه های حضرت در خصوص خراج را مهمترین توصیه ها در ارتباط با اخذ مالیات در جامعه اسلامی قلمداد کنیم

عدم اخذ اجرت از مغازه های بازار می توانست داد و ستد را تسهیل نماید و کالاها با قیمت کمتری در نهایت در اختیار مشتری قرار می گرفت و این خود عاملی برای رونق بازار تلقی می شود و شاید به همین علت نیز باشد که حضرت اجازه ساختن بناهایی را توسط افراد نمی دادند. زیرا در صورت احداث بنا هنگامی که خود فرد به هر دلیل نمی توانست از آن مکان برای تجارت استفاده کند، احتمالاً این محل را با اخذ کرایه به دیگری واگذار می کرد و به ازاء آن مبلغی دریافت می نمود و حضرت تمایل نداشت از مغازهها اجرتی اخذ شود. گرچه باید توجه نمود که در روایات امیرالمؤمنین(علیه السلام) تنها کراحت اخذ اجرت از این دکان ها مطرح است نه حرمت اخذ آن و طبیعی است حضرت با توجه به مصالح چنین عمل می نمودند. اما اگر مصالح جامعه جداً اقتضاً داشته باشد که از این مغازهها اجرت اخذ شود، مانعی از اخذ اجرت وجود ندارد. سنت عدم اخذ اجرت از بازارها تا زمان زیاد بن ابیه ادامه داشت و او اولین حاکمی بود که از بازارها اجرت اخذ کرد.(10)

همچنین از روایات استفاده می شود که در زمان حکومت امیرالمؤمنین(علیه السلام) تحت هیچ عنوان اعم از کرایه، خراج و مالیات از خریدار و فروشنده مبلغی گرفته نمی شد. زیرا مصالحی که اقتضاً می کرد از مغازهها اجرت اخذ نشود همان مصالح نیز اقتضاً می کرد که مالیات نیز از آنان اخذ نشود. اگر خراج را به علت فتوحات گسترده سرزمینها، مهمترین مالیات صدر اسلام بدانیم می توانیم سفارشها و توصیه های حضرت در خصوص خراج را مهمترین توصیه ها در ارتباط با اخذ مالیات در جامعه اسلامی قلمداد کنیم.

حضرت در عهدنامه مالک اشتر بیان می دارد:

1718#و در کار خراج چنان بنگر که اصلاح خراج دهندگان در آن است، چه صلاح خراج و خراج دهندگان به صلاح دیگران است، و کار دیگران سامان نگیرد تا کار خراج دهندگان سامان نپذیرد، که همگان، هزینه خوار خراجند و خراج دهندگان و باید نگرستنت به آبادانی زمین بیشتر از گرفتن خراج باشد، که ستردن خراج جز با آبادانی میسر نشود؛ و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک سازد و کارش جز اندکی راست نیاید؛ و اگر از سنگینی - مالیات - شکایت کردند ... بار آنان را سبک گردان چندانکه می دانی کارشان بدان سامان پذیرد»(11)

همچنین حضرت به عاملان و کارگزاران خراج می نویسد:(12)

171«: پس داد مردم را از خود بدهید و در برآوردن عاقبت های آنان شکیبایی ورزید که شما رعیت را گنجورانید و امت را وکیلان و امامان را سفیران.»

با استفاده از این سخنان می توانیم ملاکهای زیر را در اخذ مالیات از بازار استخراج نمود:

- مالیات ها بر بازار در صورت ضرورت باید به گونه ای باشد که بر تولیدکننده کالا، فروشنده و مصرف کننده فشاری وارد نیاید که منجر به کاهش رفاه اجتماعی گردد.

روند شکل گیری بازارهای تخصصی همچنان ادامه یافت به گونه ای که نقل شد در کوفه بازارهای خاصی برای بریانگران، برده فروشان، سلاخان و زیت فروشان وجود داشت و دکانهای صرافی نزدیک مسجد کوفه مجتمع شدند. خرمافروش ها و ماهی فروش ها هم هر کدام بازار مخصوصی داشتند، بازاری برای فروش شتر و بازاری نیز خاص نانوائان وجود داشت

- مالیات ها باید به آبادانی و شکوفایی اقتصاد کمک نموده و موجب قدرتمندی نظام اسلامی گردد.

- مالیات ها باید رضایت عمومی را جلب، عدالت اجتماعی را گسترش و قدرت تحمل مشکلات احتمالی را افزایش دهد.

4- حدود بازارها نیز توسط حکومت تعیین می شد و بازاریان حق تخطی از محدوده معین را نداشتند و مردم نیز حق نداشتند به حریم بازار تجاوز نموده و بنایی را برای سکونت خویش احداث نمایند. حکومت نیز برای تحقق این امر مستمرا بر حسن اجرای آن نظارت می کرد.

5- بازارهای تخصصی برای برخی پیشه وران وجود داشت که برای آن پیشه و حرفه مکان خاصی در نظر گرفته شد و پیشه وران محصولاتی که خود فراهم می نمودند و یا نقش واسطه گری داشتند، به معرض فروش می گذاشتند. این مطلب را بخوبی از روایات مربوط به نظارت حضرت بر بازار کوفه می توان دریافت. امام باقر(علیه السلام) می فرماید که امیرالمؤمنین(علیه السلام) هر صبح در کوفه بازار به بازار می گشتند.(13) برخی بازارهای تخصصی در زمان حضرت چون بازار قصابان، بازار خرمافروشان، بازار ماهی فروشان و ... وجود داشت.

همچنین از روایت استفاده می شود، در زمان حضرت محلی به نام کناسه بود که در آن مشاغل مختلفی از جمله، شترفروشی، صرافی، برزازی و خیاطی وجود داشت.(14)

روند شکل گیری بازارهای تخصصی همچنان ادامه یافت به گونه ای که نقل شد در کوفه بازارهای خاصی برای بریانگران، برده فروشان، سلاخان و زیت فروشان وجود داشت و دکانهای صرافی نزدیک مسجد کوفه مجتمع شدند. خرمافروش ها و ماهی فروش ها هم هر کدام بازار مخصوصی داشتند، بازاری برای فروش شتر و بازاری نیز خاص نانوائان وجود داشت.

تخصصی بودن بازارها در شهرهای اسلامی دیگر نیز ادامه یافت و شکل روشن تری به خود گرفت. در سال 145 هجری قمری در مدینه بازارهایی خاص برای خرمافروشان، پرنده فروشان، هیزم فروشان و زیت فروشان را نیز مشاهده می کنیم. از این رو می توان گفت بازارهای تخصصی به جهت مزایا و خصوصیات برجسته ای که داشتند در جامعه اسلامی یک سنت پسندیده و رایجی گردید.

پی نوشت ها:

1-علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج 7، ص 380.

2- آلوسی، محمود شکر، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب ج 1، ص 270.

3-علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. ج 7، ص 383.

4-همان، ص 379.

5-الشیخلی، صباح ابراهیم سعید، الاصناف فی العصر العباسی. ص 38.

6- ابن شهر آشوب، مناقب ال ابی طالب، ج 2، ص 125.

7- کلینی، کافی، ج 5، ص 155

8- کلینی، کافی، ج 5، ص 155

9- بیهقی، السنن الکبری، ج 9، ص 109، روایت 12056.

10- بازار در سایه حکومت اسلامی، جعفر مرتضی عاملی، ترجمه سید محمد حسینی، ص 28.

11- نهج البلاغه: نامه 53.

12- نهج البلاغه، نامه 52.

13- کلینی، کافی، ج 5، ص 151

14- القاضی النعمان، ابی حنیفه، دعائم الاسلام ج 2، ص 538، روایت 1913.